

ادامه مطلب

در حاشیه خبرها...

از صفحه ۳۲

تاجمهوری اسلامی بتواند با شهید نمایی افکار بین المللی را علیه آمریکا، و له خود بسیج کند. اما خوشبختانه آمریکایی ها بسیار عاقلانه عمل کرده و دست به عکس العمل شدید نزدند و نقشه جمهوری اسلامی نقش بر آب شد.

آش چنان شور است

پس از تقدیم بودجه سال آینده به مجلس از سوی احمدی نژاد، عده ای از کارشناسان اظهار کرده اند که دولت نهم یعنی دولت احمدی نژاد رئیس جمهور "مهربان"، "راستگو"، "محبوب" و "خوش قول" بیش از تمام دولت های پس از انقلاب عدم شفافیت در مسائل مالی داشته است.

این مطلب حتی به مجلس شورای اسلامی که نمایندگان آن دست چین شورای نگهبان و همین دولت و همین رژیم هستند نیز، کشیده شده است و آنها به این بودجه انتقاداتی کرده اند. از جمله احمد توکلی نماینده تهران و محمد خوش چهره و نظریان که هر سه از نمایندگان دست چین شده همین مجلس هستند. از سوی دیگر هادی حق شناس عضو کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی هم اعلام کرده با وجود آنکه در آمد ارزی ایران در هشت ماه گذشته بالغ بر سی و هفت میلیارد دلار بوده است، اما نه تنها از این در آمد مبلغی به ذخیره ارزی واریز نشده، بلکه دو میلیارد دلار نیز طی این سال از آن برداشت شده است. براساس گزارش بانک مرکزی میزان ذخیره ارزی در پایان سال گذشته ده میلیارد دلار بوده است اما اکنون این ذخیره به هشت میلیارد رسیده است. اما نظران و کارشناسان بی طرف حرفی دیگر دارند. آنها اظهار داشته اند رئیس جمهوری گفته است طی سالهای ۸۴ تا ۸۶ مبلغ ۹۳ میلیارد دلار در درآمد ها را هزینه کرده است. اما در آمدهای نفتی جمهوری اسلامی طی همین سال ها ۱۵۰ میلیارد دلار بوده است. اما معلوم نیست که بر سر ۵۷ میلیارد دلار تفاوت درآمد و هزینه چه آمده است. غیر از حدود ۵ میلیارد آن که صرف هزینه وارد کردن بنزین از خارج شده است، پس میزان مفقود شده می شود ۵۲ میلیارد دلار. حتی برای بیست میلیارد دلار هزینه شده سندهای لازم نیز وجود ندارد.

حالا این ۵۲ میلیارد دلار کجا رفته و چه شده، باید احمدی نژاد و رهبر "صادق" و "امین" و "درستکار" بیابند و پاسخ دهند. رقم ۵۲ میلیارد دلار گم شده را اگر به تعداد ۷۰ میلیون جمعیت ایران تقسیم کنیم، می شود ۷۴۳ دلار. یعنی هر نفر به پول خودمان هفتصد و چهل و سه هزار تومان به جیب گشاد و بی در و پیکر این رژیم ریخته اند که معلوم نیست به کجا رفته است و چه بلایی بر سر آن آمده است.

البته چسبناک بودن دست احمدی نژاد سابقه دیرینه دارد که یک قلم آن، صرف ۳۲۵ میلیارد تومان یعنی چیزی معادل ۳۶۰ میلیون دلار هزینه های انجام شده در دوران تصدی ایشان بر شهرداری است که برای آن سندی ارائه نشده است. نه تصور کنید این میزان مبلغی است که در شهرداری خرج شده است، خیر این مقدار آن بخشی است که سند برای آن ارائه نشده است. فراموش نکنید، این احمدی نژاد همان کسی است که به عنوان شهردار تهران، جارو به دست می گرفت و خیابان ها را جارو می کرد. آیا این سیصد و شصت میلیون دلار هزینه بدون سند، مزد همان جارو کشی هاست؟ واقعا آدم به جای اشک، خون باید بگرید که این چپاولگران چرا این چنین کاری با سرمایه و هستی مردم ایران و نسل های آینده می کنند و این مبالغ را به جیب می زنند یا به آتش می کشند.

سبب وحشت مشرف

در جریان قتل بوتو، پرویز مشرف اعلام کرده است که کشور

ای اسیر عشق طعن بی غمی بر ما مزن

خلوتی داریم بیاد او که غم نامحرم است

گرامیان شکسته دل سهیلا و شهباز طاهری

در غم از دست دادن نازنین غربت نشین تان چنان در خلوت تنهائی و گریستن های درونی فرو رفته اید که غم را از سرکشی به آن دنیای حساس تر از پر پرنده راهی نیست. اگرچه نیک دانید که این پایان زندگی همه آدم هاست که «صائب» صاحب دل چه دلنشین از آن یاد کرده است:

بر دوستان رفته چه افسوس می خوری
ما خود مگر جواز قیامت گرفته ایم
برای شما و دیگر بازماندگان بردباری، حقیقت نگری، شاددلی و دیرزیوی آرزو داریم.

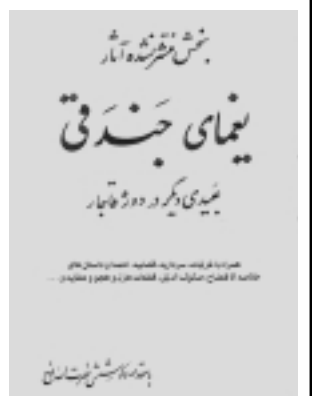
ایراندخت و اسماعیل یگانگی

دیوان یغمای جندقی و جلد سوم

یادمانده ها منتشر شد



محل فروش: فروشگاههای ایرانی
دفتر پژواک ۱۰۳۰-۶۱۵(۴۰۸)
تلفن مؤلف ۹۶۸۵-۶۵۵(۶۵۰)



دیگر منطقه را نیز به آتش بکشد تا قدرت و نفوذ خود را در این کارها نشان دهد و در این راه ابائی ندارد که پاکستان و لبنان و فلسطین و کشورهای منطقه خلیج فارس را به آشوب بکشد تا دست آمریکا و متحدانش را در این بخش از جهان در پوست گردو قرار دهد. آیا مشرف برای باقی ماندن در قدرت به صورت پنهانی دست در دست جمهوری اسلامی دارد و با دلارهای آمریکایی، دوستان غربی به ویژه آمریکایی ها را بازی می دهد؟ هم یار دارا و هم دوست سکندر است؟ وقایع بعدی این امر را روشن خواهد ساخت.

کندی های پاکستان

ترور سیاسی بی نظیر بوتو، برای بسیاری یادآور کشته شدن جان اف کندی بود. هر دو در یک اتومبیل رو باز کشته شدند و علاوه بر خود آنان خانواده آنان نیز سرنوشتی مشابه داشتند. کندی ها یک یک کشته شدند. به ویژه هر یک از آنان که در سیاست بودند و یا میخواستند وارد سیاست شوند به قتل رسیده یا از بین رفتند. خانواده بوتو نیز به همین شکل. سالها پیش یکی از برادرانش در پاریس به طرز مشکوکی مرده یافته شد. دیگر برادرش مرتضی در پاکستان به ضرب گلوله کشته شد. پدرش نیز حدود سی سال پیش در پاکستان اعدام شد و با کشته شدن خود بی نظیر، دیگر کسی که نام این خانواده را حفظ کند به جای نمانده است. گرچه یکی از پسران او داعیه رهبری حزب او را در آینده دارد. آصف علی زرداری شوهر بی نظیر بوتو، به موجب وصیت بوتو به رهبری حزب او می بایستی گماشته شود. زرداری که پنجاه و دو سال دارد پیش از این عضو پارلمان پاکستان بوده و در زمان نخست وزیری همسرش بی نظیرهم، سمت وزارت را داشته است که در مظان اتهامات مالی و اقدام به قتل قرار گرفت. اما این پرونده های علیه او، بسته شده است.

با این سوابق، وی نقشی هم به پسر مشترک خود و بی نظیر در کشوری که عضو سازمان ملل است در مظان اتهام قرار گیرد، سازمان ملل بدون ملاحظه می بایستی بلافاصله نمایندگان خود را به آن کشور اعزام کند و بهانه هایی از قبیل دخالت در امور داخلی به هیچ عنوان قابل پذیرش نمی تواند باشد. اصولاً کشورهای که عضویت سازمان ملل را پذیرفته اند، با این پذیرش مقداری از آزادی و اختیارات خود را داوطلبانه به سازمان ملل واگذار کرده اند.

به همین جهت تمام کشورهای عضو سازمان ملل، به عنوان مثال، می بایستی مقررات حقوق بشر سازمان ملل را مو به مو اجرا کنند و به این بهانه که حقوق بشر غربی است و ما تابع حقوق بشر اسلامی هستیم نمی توانند از بار مسئولیتی که در قبال سازمان ملل دارند شانه خالی کنند. در مورد قتل بی نظیر بوتو هم اگر مشرف حسابش پاک است و با کشوری برای برداشتن این رقیب خود، زد و بندی نداشته است، می بایستی از درخواست سازمان ملل برای پی گیری قتل بوتو استقبال کرده نه تنها مخالفت نکند بلکه نهایت همکاری را با آنان نشان دهد. در غیر اینصورت پرده ابهامی که نسبت به این قتل کشیده شده، همچنان باقی خواهد ماند و مشرف نیز به عنوان کسی که هم در حفظ جان و هم در پی گیری و شناسایی عاملین این قتل کوتاهی کرده، نامش در تاریخ لکه دار، باقی خواهد ماند.

فراموش نکنید که پس از دخالت آمریکا در افغانستان و عراق و موفقیت اولیه این کشور در افغانستان این زمزمه به گوش می رسید که پس از کشورهای شرق و غرب جمهوری اسلامی، هدف بعدی خود این رژیم است. اما رهبران جمهوری اسلامی، برای حفظ خود و باقی ماندن بر سر قدرت و حفظ این رژیم، به جان می زنند تا یا به آشوب کشاندن اوضاع افغانستان و عراق در وهله اول، آمریکا و جهان را از دخالت در این کشور ها پشیمان سازد و به عمر خود دوام بیشتری بخشد. از سوی

رهبری حزب داده و بیل وال پسر نوزده ساله اش قرار است پس از تکمیل تحصیلات رسماً وارد مبارزات سیاسی شود. اما در حال حاضر تصمیم گیرنده اصلی در حزب بی نظیر بوتو آصف علی است به ویژه نقش مهم او را در تعیین نخست وزیر آینده پاکستان که از سوی پارلمان معرفی خواهد شد، نبایستی از نظر دور داشت.

زندگی = خانه های شطرنج

بابی فیشر قهرمان سرشناس شطرنج جهان در ماه ژانویه بر اثر ناراحتی کبد، در بیمارستانی در "ریکجاویک" پایتخت ایسلند درگذشت. این شهر جایی بود که او در سال ۱۹۷۲ قهرمان سرشناس روسی "بوریس اسپاسکی" را شکست داده و به شهرت جهانی دست یافت. شگرذ او علاوه بر مهارت وی در شطرنج، بازی با اعصاب اسپاسکی بود که خبر آن روزهای رسانه های گروهی شده بود. وی به هنگام این پیروزی بیست و هشت سال داشت.

بابی فیشر زاده شیکاگو بود و با این پیروزی در زمانی که هنوز جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب جریان داشت، تبدیل به چهره ای جهانی شد. وی در سال ۱۹۹۲ بواسطه نادیده گرفتن مقررات مربوط به ممنوعیت سفر اتباع آمریکایی به یوگسلاوی، به آن کشور رفت تا پس از بیست سال، بار دیگر با رقیب دیرینه اش بوریس اسپاسکی دست و پنجه ای نرم کند و همین امر، یعنی عدم رعایت مقررات کشور متبوعش سبب شد که وی دیگر به آمریکا برنگردد و بالاخره با بی فیشر از سال ۲۰۰۵ بطور دائم ساکن ریکجاویک شد، شهری که او را به قهرمانی جهان رسانده بود.

جالب آن که شطرنج دارای شصت و چهارخانه است و این قهرمان سرشناس شطرنج نیز در شصت و چهارسالگی درگذشت تا ارتباط خود را حتی در زمان مرگ نیز با شطرنج، بازی مورد علاقه اش، حفظ کرده باشد!

تسلیت

سرکار خانم و جناب آقای شهباز طاهری

فاجعه غم انگیز در گذشت روانشاد «فریبا لیقوانی»

را به شما و خانواده لیقوانی تسلیت می گوئیم

و برای شما صبر و شکیبائی آرزو مندیم.

پروین، روشنگر، نصرت الله نوح و دکتر جلال اوحدی

تسلیت

جناب آقای طاهری عزیز

درگذشت نابهنگام خانم لیقوانی را به جنابعالی و همسر ارجمندتان تسلیت

می گوئیم و برای شما عزیزان و خانواده های طاهری و لیقوانی شکیبائی

و بردباری فراوان آرزو داریم.

ابراهیم و مهری رشیدپور

تسلیت

جناب آقای طاهری

از شنیدن خبر درگذشت خواهر همسرتان بسیار متالم شدم. مرا در سوگ خود

همراه و شریک بدانید. تسلیت را به حضور سرکار خانم ابلاغ فرمائید. با آرزوی

تندرستی و شادکامی برای جنابعالی و خانواده گرامی

حسین جعفری

تسلیت

سرکار خانم و جناب آقای شهباز طاهری

خبر درگذشت «فریبا» موجب نهایت تأسف و تأثر ما

گشت. این ضایعه را به شما و کلیه بستگان تسلیت گفته

و برای همگی صبر و بردباری آرزو می کنیم.

غزاله و علی محمدی

تسلیت

جناب شهباز طاهری و سرکار علیہ خانم محترمه

فرصت دست نداد که برای عزیز از دست رفته در جمع دوستان و یاران دیگر در خدمتتان باشم. همه با شماها هم دردند و محزون چون جوانی را از دست داده اند.

ای وای بر این دنیا

شیشه بشکسته و می ریخته و ساقی نیست

جمال ربانی